

تحلیل ۲۱ دانشجوی علوم سیاسی

دانشگاه های ایران

فاجعه را تکرار نکنید

توده های مردم نیازمند پیشگام مسلح نبوده و نیستند!

در فاصله دو شماره گذشته و کنونی راه توده نامه ای تحت عنوان "تحلیل ۲۱ دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه های ایران از شرایط کنونی کشور" بدست ما رسید، که ارسال کنندگان آن خواهان انتشار آن در راه توده شده اند. در پایان این نامه اسامی چندین حزب و سازمان و گروه چپ و مدعی مارکسیسم و کمونیسم نیز قید شده که نامه مورد بحث برای آنها نیز ارسال شده است.

«نویسندگان و ارسال کنندگان نامه مورد بحث در ابتدا می نویسند: ما ۲۱ نفر از دانشجویان رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی ارشد طی گفت و گو و بحث های فراوان، شرایط کنونی را بررسی کرده و به نتایجی که در پی خواهد آمد رسیده ایم. با توجه به این که نفی و اثبات، پویایی دیالکتیک را ارمغان خواهد داشت، این تحلیل برای احزاب و سازمان های مختلف ارسال شده است. از شما تقاضا می شود با راهنمایی خود، موارد مثبت و منفی آن را متذکر شوید. ما پس از بررسی نقدهای مختلف، آمادگی هرگونه همکاری با سازمان و حزبی که نقدهای مترقی تری را مطرح کرده است، خواهیم داشت و به صفوف آن خواهیم پیوست.» این نامه را با این مقدمه بسیار کوتاه و دردانگیز منتشر می کنیم تا در فرصت های دیگر بیش از این درباره آن بنویسیم: دوستان گرامی!

۱- آنچه را که نوشته اید نه در انطباق با شرایط اقتصادی - سیاسی ایران است و نه بازگو کننده دقیق محتوای طبقاتی حاکمیت. یادداشتی است معلق در هوا که عمدتاً برخاسته از خشم و نا امیدی و احساسات است و پای در گل و لای واقعیات امروز جامعه ایران ندارد. در حقیقت آیه هائی است آسمانی، پیش از اینکه نسخه هائی باشد زمینی.

۲- راه حل های به ظاهر انقلابی که ارائه فرموده اید، همگی نخ های پوسیده لباس مندرسی است که یکبار در دهه ۴۰ و ۵۰ و به تقلید از آنچه در کوبا و امریکای لاتین گذشته بود، عده ای آن را جلیقه انقلابی فرض کرده و به تن کشیدند. آن جلیقه ضد گلوله نبود، انقلابی هم نبود و شد آنچه که فاجعه کادر سوزی و خود به آتش کشیدن بود. پیش از هر مطالعه و بررسی از شما عاجزانه تقاضا می کنیم، بجای خواندن تزه های مسعود احمدزاده و امیرپرویز پویان و مصطفی شجاعیان و دیگران، به سرچشمه های تئوری انقلابی مراجعه کنید و با دقت آنها را بخوانید. از جمله جنایاتی که حاکمیت جمهوری اسلامی مرتکب شده و می شود، بستن تمام دریچه های اطلاع نسل کنونی کشور از گذشته جنبش های انقلابی و تاریخ معاصر چپ در ایران است. این سد حکومتی را از هر طریق که ممکن است بشکنید و آثار پایه ای مارکسیسم را بخوانید. ما در آینده ای نزدیک و متأثر از این یادداشت کوتاه شما، تلاش خواهیم کرد بخشی از بحث های گذشته با کسانی که در سازمان چریک های فدائی خلق و سایر گروه های چریکی چپ دهه ۴۰ و ۵۰ را منتشر کنیم تا حداقل ملاحظه کنید که آنچه مطرح می کنید، هیچ حرف نو و تازه ای نیست و فاجعه ای که به سمت آن می روید نیز نو و نا آشنا نیست.

۳- نیازی نیست که به این سازمان و یا آن حزب بپیوندید. شرایط آنگونه نیست که چنین بزل و بخششی بفهمید. کار انقلابی کردن نیز نیازمند پیوند سازمانی و تشکیلاتی - از آنگونه که وعده داده اید- نیست. همین که اخبار و حال و روز مردم را نوشته و منتشر کنید تا آگاهی مردم را گسترش داده و سد سانسور حکومتی را بشکنید و همین که این اخبار و گزارش ها بجای سرشار بودن از صفات و پرخاش ها و احساسات متأثر از ساده نویسی و حقیقت نویسی بوده و برخاسته از زندگی توده مردم باشد، خود باندازه آن اقدامات ماجراجویانه ای که به آن ها بعنوان حرکت های پیشآهنگی انقلابی نام برده اید کار ساز است. انقلاب کار توده هاست، نه کار پیشگامان و تا شرایط انقلابی حاکم نشود نقش پیشگام قبل از این که دست به سلاح ببرد، بردن دست به قلم است و بیدار کردن مردم. امیدواریم از این توضیحات ما نرنجیده باشید. جای رنجش هم نیست، چرا که با تمام حسن نیت و صداقت تجربه و دانسته های گذشته را در همین اشارات کوتاه برای شما نوشتیم.

حال یادداشت شما:

«سوسیالیسم علمی نیازمند برنامه ایست متناسب با شرایط اجتماعی - اقتصادی ایران. تغییرات ژرف جامعه ایران به صورت یک پیش شرط برای فعالیت آینده، مطرح است. پیش از آن که بتوان پیشرفتی حاصل کرد می بایست برای مسائل جدید و قدیم نظری و عملی، راه حلی پیدا کرد. یکی از این مسائل تحلیل جامعه ایران است و دوم روش های لازم برای مبارزه و مساله سوم تعیین آنچه که در مقوله شناسی مارکسیستی، مرحله انقلاب می نامند. جمهوری اسلامی، حکومتی مرکب از خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی بازار به رهبری روحانیت است. نظام سرمایه داری وابسته ایران، نظامی است دیکتاتوری - دولتی و طبقه بورژوازی کمپرادور. وضع عینی انقلاب با توجه به **خصالت** نظام سرمایه داری وابسته، دیر یا زود پدید خواهد آمد و انقلابیون باید برای آن آماده باشند. عوامل داخلی و خارجی در یک ارتباط دیالکتیکی قرار دارند. حرکت های ضد آمریکا و ضد اسرائیلی حکومت کنونی دارای ماهیت ضد امپریالیستی نیست. جمهوری اسلامی اغلب بصورت آلت دست امپریالیسم عمل می کند. ارتجاع به امپریالیسم، بورژوازی بزرگ، لیبرال ها و فنودال ها متکی است و از منافع آن ها دفاع می کند. اصلاحات تضادهای طبقاتی را در جامعه تشدید کرد. روش انتخابات غیر دموکراتیک، قوانین در مورد زنان تبعیض آمیز است و حقوق بشر رعایت نمی شود و فعالیت در **چهار چوب قانونی** ممکن نیست. این برخوردها، تحریم انتخابات و پیامد اقدام خشونت آمیز را در بر خواهد داشت.

اوضاع ایران از یک وضع غیر انقلابی به یک وضع انقلابی در حال تغییر است و **دوران انقلاب** در آینده نزدیک فرا خواهد رسید. وظیفه مارکسیست ها ایجاد **پیشاهنگ انقلابی و مبارزه مسلحانه** به عنوان موتور محرکه دستیابی به آن هدف است. فقدان جنبش خودانگیخته از سرکوب خشن و طولانی مدت ناشی می شود. بنا بر تز دو مطلق، قدرت فایق حکومت از یک سو و فقدان کلی سازمان پیشاهنگ از سوی دیگر، وضعی را ایجاد کرده است که در آن قدرت مطلق با ضعف مطلق روبرو است. مبارزه مسلحانه می باید این جو را در هم شکند و به ایجاد یک پیشاهنگ و کسب پیروزی منجر شود.

بی تحرکی با این امید که تحولات غیر قابل پیش بینی آینده ممکن است بر آورنده مقصود باشد، پذیرفتنی نیست. شکست در عرصه عمل بر شکست به واسطه انفعال و بی عملی ترجیح دارد و راه مقابله با انفعال، مبارزه مسلحانه روشمند است. مبارزه مسلحانه راه را

برای آگاهی مردم از نیروی تاریخی خود و برای این که سازمان پیشاهنگ انقلاب را تا پیروزی نهائی اش رهبری کند، هموار خواهد ساخت.

مبارزه مسلحانه به دو مرحله تقسیم می شود. در مرحله اول، پیشاهنگ با حمله به دیکتاتوری، موجودیت خود را به مردم اعلام می کند و به سازماندهی عناصر انقلابی آماده پیوستن به مبارزه می پردازد. اقدامات مسلحانه جنبه تبلیغی دارد و پیشاهنگ را از نظر تشکیلاتی و سیاسی برای مشارکت مردم آماده می سازد تا در مرحله دوم یک جنبش انقلابی دارای پایگاه توده ای تشکیل شود. در نتیجه بنا بر تئوری تبلیغ مسلحانه، پیشاهنگ از مبارزه مسلحانه به عنوان وسیله ای برای نخست تاسیس خودش و دوم آماده سازی جنبش برای انقلاب استفاده می کند.

هدف اقدام مسلحانه، برانگیختن آتش قیام توده ای در سراسر کشور است که هم جنبه روان شناختی روشنی دارد و هم جنبه سیاسی. به نیروهای امنیتی ضربه روانی وارد کرده و در عین حال اهداف سیاسی و تبلیغ انقلابی را که از جنبه های مثبت مبارزه چریکی است و جلب بسیاری از روشنفکران انقلابی از نتایج مستقیم آن است، به دنبال خواهد داشت. زمانی که سازماندهی پیشاهنگ یا روشنفکران انقلابی انجام شد، تاکتیک ها را باید وسعت بخشید و به تبلیغ سیاسی که پای دوم جنبش است، پرداخت.

سازماندهی در مناطق شهری و روستایی هر دو امکان پذیر است و الگوهای مبارزه مسلحانه طولانی و اعتصاب های عمومی و قیام ناگهانی در مراکز شهری، اقتصاد ایران را فلج می کند و مشارکت کارگران در جنبش، ضربه ای کشنده به رژیم وارد می کند. برای دفع دیکتاتوری و برچیده شدن استبداد، همگام با اقدام مسلحانه می باید توان خود را صرف تشدید مبارزه ایدئولوژیک کرد و به حمایت از تاسیس اتحادیه های کارگری پرداخت.

دو امتیازی که می توان از جنبش چریکی به دست آورد: نخست این که نشان داده شود رژیم شکست ناپذیر نیست و با وجود منابع مالی و نظامی اش می توان با آن به مبارزه برخاست. دوم، جنبش چریکی یک فرهنگ مقاومت در برابر دیکتاتوری پدید می آورد. این فرهنگ مقاومت به حفظ روحیه اعتراض که بر انقلاب آینده تاثیر مستقیمی دارد، کمک می کند.

زمانی که جنبش انقلابی رو به اعتلا می رود، مساله اصلی این است که چه چیزی باید جایگزین آن شود. شرایط انقلاب ایران در مرحله دموکراتیک ملی است که در این مرحله پرولتاریا، خرده بورژوازی، روشنفکران انقلابی و بورژوازی ملی متحدان بالقوه اند. سازمان پیشاهنگ در صورت داشتن پایگاه مستحکم می تواند با کوتاه کردن مرحله سرمایه داری به ساختن سوسیالیسم بپردازد. به موجب نظریه راه رشد غیر سرمایه داری، کشورهای در حال توسعه می توانند سرمایه داری را به شدت محدود کنند و به سوی سوسیالیسم گذر نمایند. راه رشد غیر سرمایه داری یک مشخصه دارد و آن این است که از رشد عادی سرمایه داری جدا می شود و اجازه رشد عنان گسیخته سرمایه داری را نمی دهد و راه متفاوتی را در پیش می گیرد.»